

## احمد از اہالی بصرہ

من و گروہی از انصار امام مهدی علیہ السلام روز اربعین حسینی برای زیارت امام حسین علیہ السلام با پای پیاده از نجف بہ سمت کربلا بہ راه افتادیم. در مسیر، مرد کهن سالی در خانہ اش از ما پذیرایی کرد. انصار قضیہ سید احمد الحسن را بیان کردند و بدون ذکر نام سید، بہ او گفتند فرستادہ امام مهدی علیہ السلام ظہور کردہ است. پیرمرد گفت: از اہالی بصرہ است؟ و آیا نام ایشان احمد نیست؟ در ابتدا فکر کردیم دعوت بہ گوشش رسیدہ یا از طریق اعلانیہا از آن آگاہ شدہ است؛ اما او کلام ما را رد کرد و گفت: سی سال پیش با امام مهدی علیہ السلام ملاقاتی داشتم و همان موقع ایشان این خبر را بہ من دادند و جریان این گونہ بود کہ روزی مردی اعرابی بہ خانہ من آمد، من ہم از او پذیرایی کردم. بہ من گفت: در کربلا اذان مغرب گفتہ شدہ و آمدہام نماز مغرب را در اینجا بخوانم. سخنی کہ گفت مرا بہ تعجب واداشت؛ چراکہ فاصلہ ما تا کربلا بسیار است و از سویی نجف از کربلا بہ ما نزدیک تر بود. شرمگین شدہ بہ او چیزی نگفتم، زیرا مهمان بود. بعد از اتمام نمازش و قبل از اینکہ از اتاق خارج شود رو بہ من کرد و گفت: چند سال دیگر امام مهدی علیہ السلام رسولی بہ نام احمد را می فرستد و از اہالی بصرہ است و از اتاق خارج شد. بعد از دقایقی برادران و پسرعموہایم نزد من آمدہ و گفتند این مرد کہ بود؟ گفتم نمی دانم! گفتند بہ محض خروج از اتاق جلوی دیدگانمان ناپدید شد. گفتم او امام مهدی علیہ السلام است.

بہ نقل از ابوسجاد، کتاب کرامات و غیبیات، صفحہ ۳۳

امام احمد الحسن

را این گونہ شناختم؛

بہ قلم مهندس ابونوح

شناخت خداوند فقط با

شناخت حجت خدا

قسمت ہفتم

نظریہ تکامل و متون دینی

درنگی در بشارت ظہور کہ از زبان  
آقای بہجت و ناصری خارج شد



## سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه‌سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولدشده در آخرالزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده‌اند و نیز فرستاده‌ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به‌دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت‌های الهی احتجاج می‌کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می‌شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده‌اند و نام مبارک احمد به‌عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.

۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده‌اند.

۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه‌ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیرالمؤمنین؛ که فرمود: «...ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن‌ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام‌اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن [خلافت] را به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان‌آوردگان است.»

# سیدالمرسلین

## فهرست

- ۳.....سید احمدالحسن را این گونه شناختم.....
- ۶.....درنگی در بشارت ظهور که از زبان آقای بهجت و ناصری خارج شد.....
- ۱۱.....شکافتن علم توسط فرستاده امام مهدی علیه السلام اقسامت هفتم.....
- ۱۴.....نظریه تکامل و متون دینی.....



### هفته نامه زمان ظهور

شماره ۱۴۱، جمعه ۲۵ آذر ۱۴۰۱،  
۲۱ جمادی الاولی ۱۴۴۴، ۱۶ دسامبر ۲۰۲۲  
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت

راه های ارتباطی:  
[WWW.VARESin.ORG](http://WWW.VARESin.ORG)  
[WWW.ALMAHDYOON.CO](http://WWW.ALMAHDYOON.CO)



هر گونه برداشت از هفته نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات  
سازنده شما عزیزان است.

السلامة علیکم وعلیٰ آئمتکم  
وعلیٰ صحبکم وعلیٰ جملتکم  
وعلیٰ کل مسلمین و مسلمة

# سید احمد الحسن را این‌گونه شناختم

به قلم: مهندس ابونوح

خداوند می‌فرماید: (ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ)  
(فرزندانی که بعضی از آنان از [نسل] بعضی دیگرند، و خداوند شنوای  
دانا است). (آل عمران، ۳۴)

(قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مَدَادًا لَكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ  
رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا) (بگو اگر دریا برای کلمات پروردگارم مرکب  
شود، پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان پذیرد، قطعاً دریا پایان  
می‌یابد، هرچند نظیرش را به مدد [آن] بیاوریم). (کهف، ۱۰۹)

خداوند، بر محمد و آل محمد علیهم‌السلام در میان گذشتگان درود بفرست و  
بر محمد و آل محمد علیهم‌السلام در میان آیندگان درود بفرست و بر محمد  
و آل محمد علیهم‌السلام، یعنی امامان و مهدیین پاک و طاهر صلوات بفرست  
و بر دشمنان آن‌ها از گذشتگان و آیندگان تا برپاشدن قیامت لعنت  
بفرست.

آل محمد علیهم‌السلام نور خداوند در زمین و کتاب ناطق و صادق او هستند. به  
نیکی می‌گویند و عمل می‌کنند. اگر خیری ذکر شود آن‌ها ابتدایش  
بودند و اگر کار نیکی ذکر شود، آن‌ها منشأ و معدن آن بودند.

## سید احمد الحسن:

انسان اگر به آنچه از علم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت آن حضرت علیهم‌السلام آموخته است عمل کند و بر  
عبادت و بندگی که همان اصل عمل است مداومت نماید، قطعاً درب‌های غیب به روی  
او گشوده خواهد شد.

(متشابهات، جلد سوم، پرسش ۹۱)



آیا می‌پذیری در این هوای گرم با این مبلغ زیر این ماشین بروی؟ و من در درونم حاضر نمی‌شدم در این هوای گرم زیر این ماشین بروم؛ بنابراین دستمزد بیشتری به او دادیم. سید احمدالحسن در بیشتر اوقات در میان ما نشسته بود و به خاطر تواضع و سادگی زیادش مردم او را نمی‌شناختند. گویی برادر بزرگی در میان ماست. برخی از مردم می‌آمدند و دربارهٔ این دعوت می‌پرسیدند. سید احمدالحسن خودش شروع به تبلیغ آن‌ها می‌کرد، در حالی که آنان این را نمی‌دانستند [که سید احمدالحسن خود اوست]. حق را با رأفت و مهربانی به آنان می‌رساند؛ گویی با فرزندش و پسرش رفتار می‌کرد. روزی یکی از زائرین دربارهٔ دعوت سؤال می‌کرد و سید احمدالحسن به او پاسخ می‌داد و او نمی‌دانست که او خود سید احمدالحسن است. آن مرد بر سؤال خود اصرار و پافشاری کرد و نمی‌خواست بفهمد. من در آن مجلس نشسته بودم. از کار سؤال‌کننده عصبانی شدم. با خودم فکر کردم که باید با این مرد با تندی صحبت کنم؛ اما این را بر زبان نیاوردم، بلکه فقط در فکر خودم بود. سید احمدالحسن به من رو کرد، به طوری که انگار می‌داند در ذهن من چه می‌گذرد. پس به سختی مرا نهدی کرد و به من گفت چه می‌خواهی بگویی؟! من از سید احمدالحسن خجالت کشیدم و در این باره سکوت کردم. سید احمدالحسن مسجد سهله به انصار قرآن درس می‌داد. درس را بعد از نماز مغرب شروع می‌کرد و گاهی تا نماز صبح ادامه می‌یافت. روزی از روزها که ایشان در مسجد سهله درس می‌داد یکی از انصار موضوع [درس] را نمی‌فهمید.

به همه افرادی که نشسته بودند حتی کودکان- سلام می‌کرد، حتی به کوچک‌ترین آن‌ها؛ و هرکجا که سلام در آن تمام می‌شد می‌نشست. صدر مجلس را انتخاب نمی‌کرد؛ بلکه در انتهای مجلس می‌نشست، حتی اگر نزدیک درب حسینه باشد. اگر ساکت بودیم او شروع به صحبت می‌کرد و اگر از او می‌پرسیدیم پاسخ می‌داد و اگر یکی از ما صحبت می‌کرد هرگز حرفش را قطع نمی‌کرد. به هرگوینده‌ای گوش می‌داد حتی اگر کودک خردسال باشد. اگرگوینده سؤال داشته باشد به آن پاسخ می‌دهد و اگر سؤال‌کننده بخواهد مداخله کند با [بیان] حق بیشتر به او می‌افزاید. او نماز جماعت را با رعایت حال ضعیف‌ترین فرد می‌خواند. اگر در بین ما مریض یا ضعیفی بود، نمازش به‌عنوان امام جماعت طولانی نمی‌شد و اگر به‌تنهایی نماز می‌خواند به‌مدتی طولانی در قیام و رکوع و سجود بود؛ مخصوصاً در نماز شب. ساده‌پوش است و اندک را قبول می‌کرد و این نشان از سخاوت اوست. هرگاه نیازمندی از او درخواست می‌کرد هرگز او را [با دست خالی] بر نمی‌گرداند، بلکه با هر آنچه دارد می‌بخشد. او با همهٔ مردم عادل است؛ چه مؤمن باشد و چه بی‌دین؛ به طوری که روزی یکی از انصار به‌نام علاء الحداد به من گفت: ماشینم خراب شد و سید احمدالحسن همراه ما بود. پس یک جوان مکانیک آوردیم تا آن را درست کند. هوا بسیار گرم بود. این جوان زیر ماشین رفت و آن را درست کرد. بعد از اتمام کار حقش را به او دادم. مقدار آن ناچیز بود. سید احمدالحسن این دستمزد را برای او را نپذیرفت و به من فرمود:

خداوند آن‌ها را نوری بر نور دیگر، از یک گل آفرید، و پیش از آنکه خداوند مخلوقات را بیافریند، گرداگرد عرش او بودند. آن‌ها درخت نبوت و معدن رسالت هستند. ریشهٔ آن استوار و شاخهٔ آن در آسمان است، درختی پاکیزه هستند و شاخه و غنچهٔ پاکش از همین درخت است. سیراب‌کنندهٔ تشنگان از نهر سلسبیل با علم خالص و سنگین احمدالحسن وصی و فرستاده امام مهدی (عج) است. سروران گرامی، انصارالله و مردم عزیز منصف و مخالف! واقعیت این است که نمی‌دانم از کجا شروع کنم. دربارهٔ اخلاق سرورم یمانی آل محمد (علیهم‌السلام) احمدالحسن [باید گفت] او مانند طبیعی دوره‌گرد با داروهایش در میان ما بود. مانند پدری که به اطفال و فرزندان رسیدگی می‌کند، او نسبت به مؤمنین رؤف و مهربان و در برابر کافران محکم و سختگیر است. او آموزش فروتنی به ما را از خودش شروع کرد. در ابتدای دعوت مبارک وقتی ساخت دومین حسینه خود را در عراق آغاز کردیم یعنی حسینه و مدرسهٔ انصار امام مهدی (عج) در ناصریه که گلی بود. مولای من مهدی اول، احمدالحسن با دو دست شریفش در ساختن این حسینه با ما کار می‌کرد؛ در یک دست خشت و گل و در دست دیگرش قلم داشت. به سؤالات سؤال‌کنندگان پاسخ می‌داد و علم سنگین و عظیم به آن‌ها عرضه می‌کرد. از اخلاقی این بود که با ما سفره می‌نشست و در [خوردن] از غذای سادهٔ ما با ما همراهی می‌کرد و بر سر سفره همانند بردگان می‌نشست و در حسینه همواره رو به قبله می‌نشست و هیچ‌گاه پشت به قبله نمی‌نشست. وقتی وارد حسینه می‌شد، ابتدا

#### سید احمدالحسن:

حجت‌های خداوند از ائمه و انبیا و اوصیا و مرسلین هرکس به فراخور مرتبه و نزدیکی‌اش- تمثیل وجه خداوند و اسم‌های نیکوتر او هستند؛ آن‌ها آینه‌ای هستند که اسم‌های نیکوتر در آن‌ها بازتاب یافته است؛ [همان] کسانی که به اخلاق خداوند سبحان و متعال آراسته گشته‌اند.

(گزیده‌ای از تفسیر سورهٔ فاتحه)



سید احمدالحسن فرمود: آیا این چراغ‌ها را در مسجد می‌بینی؟ ده‌ها چراغ وجود داشت که برخی از آن‌ها خاموش بود. پس سید احمدالحسن فرمود: چرا فقط به چراغ‌های خاموش توجه می‌کنی؟! به چراغ‌هایی بنگر که کار می‌کنند و نورشان بسیار است؛ پس این دعوت الهی هم کشته‌شدن و آوارگی و زندان و بی‌پولی دارد؛ اما پیش روی شما زندگی جاودان در باغ‌های بهشت قرار دارد. پس از ساختن حسینیه‌ها در استان‌های عراق، سید احمدالحسن آموزش قرآن و توحید را برای ما شروع کرد. حتی یک روز از بعد از نماز عشا تا نماز صبح مشغول تدریس بود. هنگامی که اذان صبح گفته شد ایشان برخاست و نماز صبح را با ما خواند و سپس با ما خداحافظی کرد و طلب دعا نمود؛ همانند پدری که با فرزندان خداحافظی می‌کند؛ و ما مانند فرزندان بودیم که به پدر خود نگاه می‌کنند در حالی که او از آن‌ها جدا می‌شود و قلب آن‌ها از درد در فشار است؛ چنان‌که یکی از برادران انصار به من گفت: من مهمان سید احمدالحسن بودم. پس از صرف غذا برخاستم تا دستانم را بشویم، در این هنگام ایشان ایستاد و بر دستانم آب ریخت و من از خودم خجالت کشیدم که چقدر خودمان را [بزرگ] می‌بینیم، که آب بر دست مردم نمی‌ریزیم، اما او یک وصی از اوصیای آل محمد علیهم‌السلام است و آب بر دست من می‌ریزد.

سید احمدالحسن پیش از آنکه انصارش را ببیند آنان را با نام می‌شناخت؛ حتی از زندگی و کودکی آنان چیزهای زیادی می‌دانست. هنگامی که با او در مسیر راه می‌رفتیم یا با ما می‌نشست معجزات فراوانی به دست او رخ می‌داد؛ همان‌طور که او خبرهای غیبی زیادی را به ما گفت و در واقعیت اتفاق افتاد.

روزی از او درباره تفسیر سوره یوسف پرسیدم که ایشان به من فرمود: تفسیر سوره یوسف طولانی است ولی این کلمه را به تو می‌گویم که برایت سودمند است. بدان امام مهدی علیه‌السلام سوره یوسف را در عمل اجرا می‌کند.

### سید احمدالحسن:

باید خود را به اخلاق قرآن بیاراییم و پس از عمل به آن، آن را در جامعه نشر دهیم؛ زیرا کسی که مردم را به مکارم اخلاق دعوت می‌کند در حالی که خود بر آن‌ها منطبق نباشد، هیچ تأثیری بر دیگران نخواهد داشت، و حتی چه بسا نتیجه عکس حاصل کند.

(گوساله، جلد دوم، محث مهم‌ترین اعمال برای تعجیل فرج امام علیه‌السلام)

## بشارت آقایان بهجت و ناصری

# درنگی در بشارت ظهور که از زبان آقای بهجت و ناصری خارج شد

به قلم: محمد شاکری

سؤال می‌کند: «یابن رسول الله، فرج شما برای عامهٔ مسلمان‌ها چه وقتی است؟ امام زمان علیه السلام در پاسخ فرمودند: نزدیک است. او در پاسخ به حضرت فرمودند: آیا من هم ظهور شما را درک می‌کنم؟ حضرت پاسخ دادند: پیرمردتر از شما هم درک خواهد کرد.» آقای ناصری از سنّ این شخص از آقای بهجت می‌پرسد و وی در پاسخ می‌گوید ۶۲ سال.

در پی انتشار این بشارت از زبان آقای ناصری، برخی از شاگردان آقای بهجت از صحت و سقم این ماجرا و بشارت، از آقای بهجت سؤال می‌کنند. آقای بهجت در پاسخ، صحت این ماجرا را تأیید کرده، اما می‌گوید قرار نبود این بشارت به عموم مردم گفته شود. در جای دیگری نیز که هر دو فیلم آن در فضای مجازی موجود است شخص دیگری از او سؤال می‌کند که آیا شما گفتید که انقلاب آقا را پیرمردها هم درک می‌کنند؟ شیخ بهجت در تأیید این گفته و بشارت، آن را مستند به گفتهٔ شخص دیگری می‌کند که منظورش همان دوستی است که با امام ملاقات دارند.

**این داستان برای اولین بار توسط شیخ علیرضا پناهیان در سال ۱۳۸۰ در دانشگاه تهران مطرح شد و در ادامه در سال ۱۳۸۳ فیلم سخنرانی آقای ناصری که این بشارت را از آقای بهجت نقل می‌کند در اینترنت منتشر شد.** دقیقاً معلوم نیست که این ملاقات و این داستان چند سال قبل از سال ۱۳۸۰ اتفاق افتاده است اما از ظواهر حال پیداست که نباید خیلی از آن زمان دور

چند وقتی است که از فوت شیخ محمدعلی ناصری می‌گذرد. او در شمار یکی از بزرگ‌ترین اساتید اخلاق حوزهٔ علمیه اصفهان بود و در بین مردم اصفهان و بلکه بسیاری از مردم ایران مورد احترام و ارزش بود. صحبت‌های اخلاقی و احساسی وی از امام زمان علیه السلام و غربت و تنهایی ایشان در زمان غیبت توجه بسیاری از مریدان او را جلب کرده بود؛ اما از بین تمامی آثار و سخنان وی، یک صحبت و یک بشارت از نزدیکی زمان ظهور بسیار مورد توجه مردم قرار گرفت و کاربران زیادی در فضای مجازی در این سال‌ها آن را منتشر و دست‌به‌دست کرده‌اند. آقای ناصری خاطره‌ای را از ملاقات خودش با مرجع معروف شیخ محمدتقی بهجت نقل می‌کند. شیخ محمدتقی بهجت که نیازی به معرفی او نیست از عرفا و علمای بنام دهه‌های اخیر و آخرین بازمانده از شاگردان سلوکی استاد بزرگ عرفان در حوزهٔ نجف یعنی سید علی قاضی بود. بسیاری از مردم و حوزویان، آقای بهجت را یکه‌تاز عرصه علم و عمل دانسته، تا جایی که پس از مرگ او کسی را تا به امروز در حد و اندازهٔ جانشینی معنوی او در بین مردم نمی‌دانند. آقای ناصری نقل می‌کند در ملاقاتی که با آقای بهجت داشته است از او دربارهٔ ظهور و بشارت‌هایی دربارهٔ نزدیکی فرج سؤال می‌کند. آقای بهجت در پاسخ می‌گوید من دوستی دارم که با امام زمان علیه السلام ارتباط و ملاقات دارد؛ و آقای بهجت نیز همین سؤال را از این دوستش می‌پرسد. این دوست آقای بهجت که به گفتهٔ خود آقای بهجت با امام مهدی علیه السلام ملاقات داشته است از امام زمان علیه السلام

سید احمد الحسن:

رسول خدا صلی الله علیه و آله به ما وعده داده و خیر داده است که: اسلام در آخرالزمان به دست فرزند

موعودم مهدی علیه السلام، تر و تازه باز خواهد گشت.

(سرگردانی یا مسیر به سوی خدا، میحت سرگردانی در امت اسلام)



باشد.

آقای بهجت در سال ۱۳۸۸ و در سن ۹۳ سالگی از دنیا رفت. آقای ناصری نیز امسال یعنی ۱۴۰۱ و در سن ۹۲ سالگی از دنیا رفت. این در حالی است که نه آقای بهجت و نه آقای ناصری و نه پیرمردتر از آن‌ها به‌زعم خودشان ظهور را درک نکردند و طبق اعتقاد پیروانشان هنوز فرج امام زمان علیه السلام برای عموم مردم محقق نشده است. همین امر سبب شده است مخالفان اسلام و مخالفان شیعه بر این موج‌سواری کنند و اعتقادات شیعیان درباره امام مهدی علیه السلام را به‌سخره بگیرند. این جماعت با در نظر گرفتن اعتمادی که مردم به این دو نفر داشتند نه تنها مردم و احترامشان به این دو نفر را به‌سخره گرفتند، بلکه اشکال و شبهه را به اصل امام مهدی علیه السلام و ظهور مبارک ایشان متوجه ساخته و این ظهور را خرافه‌ای دانستند که علما و حوزویان از آن نان می‌خورند. این جماعت و رسانه‌های مرتبط با آن‌ها از این ماجرا چنین برداشت کرده‌اند که معلوم نیست آقای بهجت دروغ گفته است یا رفیق مجهول‌الهویه‌اش یا اینکه نعوذ بالله خود امام زمان علیه السلام دروغ گفته است یا اینکه از اساس امامی در کار نبوده است!

**از آنجا که بسیاری از مردم و متدینین و حتی بزرگان و حوزویان به آقای بهجت، اعتماد خاص و بلکه ارادت ویژه داشتند، هیچ احتمالی مبنی بر کذب این ماجرا و بشارت ندادند و تنها پاسخشان برای فرار از این فضاخت بزرگ این بوده است که در امر الهی و ظهور امام مهدی علیه السلام بداء صورت گرفته است؛ یعنی خداوند در این موضوع**

اراده کرده بود که ظهور در زمانی محقق شود که پیرمردتر از آن‌ها هم درک کنند اما این اراده‌اش را به تأخیر انداخت.

**اما به راستی این ماجرا چگونه باید تحلیل شود و چگونه بررسی شود تا هم پاسخ مخالفان شیعه و مردم علاقه‌مند به امام مهدی علیه السلام داده شود و هم بتوان از این بشارت و این خبر واقعی تمام بهره را برد.** حقیقت

این است که آقای بهجت مورد اعتماد و وثوق بوده است و خبری که ایشان داده، حتماً صحیح و درست بوده است؛ اما آیا در این خبر صحیح و این بشارت بزرگ بداء اتفاق افتاده و امام مهدی علیه السلام به زمانی بشارت داده است که دانسته یا ندانسته قرار بوده در آن، بداء الهی واقع شود؟ آیا نمی‌توان این بشارت و این داستان را از زاویه دیگری تحلیل کرد؟ آیا احتمال دارد ظهور و وعده‌ای که امام مهدی علیه السلام داده بود مبنی بر اینکه پیرمردتر از آن‌ها هم درک خواهند کرد محقق شده باشد؟ ممکن است این سؤال پیش بیاید که اگر ظهور برای عامه مردم محقق شده است پس کو؟ چرا مردم نه امامی را دیده‌اند و نه ظهوری را؟ این ظهور چه شکلی است که کسی متوجه نشده است؟ آیا امکان دارد این راویان از نزدیکی این ظهور خبر دهند و خودشان از این ظهور جامانده باشند؟

ابتدا پاسخ قطعی را بگوییم و سپس تحلیلش کنیم. حقیقت این است که **هم خبر و بشارت درست بوده است و هم اینکه طبق همان بشارت، ظهور برای عموم مردم محقق شده است** و پیرمردتر از آن راویان نیز این ظهور را درک کرده‌اند.

**تنها یک سال بعد از اولین نقل این ماجرا توسط شیخ علیرضا پناهیان، یعنی در سال ۱۳۸۱ دعوت یمانی آل محمد علیهم السلام سید احمدالحسن، علنی و به گوش عموم مردم رسید.**

یقیناً چه آقای ناصری و چه آقای بهجت و چه آن دوستش که توفیق زیارت حضرت را داشته است نباید انتظار داشته باشند که امر ظهور امام مهدی علیه السلام بدون مقدمه و بدون زمینه‌ساز و خارج از بشارت‌هایی که در روایات ائمه معصومین علیهم السلام بوده است محقق شود. بدین معنا که وقتی شیعیان طبق روایات شریفه به ظهور پرچم حقی از سمت امام زمان علیه السلام یعنی پرچم حق یمانی بشارت داده شدند، پس عاقلانه این است که ظهور این شخص و ارسال ایشان توسط امام مهدی علیه السلام را آغازی بر پروژه عظیم ظهور بدانیم. جدای از تمامی اسرار و ناگفته‌هایی که در روایات ظهور وجود داشته و توسط شخص سید احمدالحسن رمزگشایی شده است، این حداقلی از فهم و منطق، مورد انتظار است که مدعیان علم و صاحبان اندیشه و مدعیان انتظار و محبت امام مهدی علیه السلام و ظهورشان باید بر آن دقت کنند و به آن اقرار کنند، و آن اینکه نمی‌توان تمامی علائم ظهور را از جمله ظهور شخصیت بسیار مهم یمانی را نادیده انگاشت و همچون کوفیان از یاری مسلم زمان دست کشید و منتظر امام مهدی علیه السلام ماند.

یقیناً به غلط رفته‌اند کسانی که این بشارت بزرگ را شنیده‌اند و در ذهن و فکر خود این‌گونه تصور می‌کنند؛ این تصور که پیرمردتر از راویان مذکور نیز ظهور را درک خواهند کرد، اما بدین شکل که

**سید احمدالحسن:**

بر مؤمنین [لازم] است همواره پیرو علمای عاملی باشند که بر راه پیامبران، فرستادگان و ائمه علیهم السلام سیر می‌کنند، و از دنبال‌روی از علمای بدنهاد بی‌عمل بر حذر باشند؛ همان کسانی که برای خشم خداوند هنگامی که کتاب قرآن کریمش مورد اهانت قرار می‌گیرد خشمگین نمی‌شوند و کسانی که بسیاری از آن‌ها

در مقابل امام مهدی علیه السلام خواهند ایستاد و چه بسا با او پیکار کنند.

(گوساله، جلد دوم، مبحث مهم‌ترین اعمال برای تعجیل فرج امام علیه السلام)





الهی با نصّ و معرفی‌نامه معرفی می‌شوند؛ اگرچه در برخی شرایط طبق مصلحت الهی کرامات و معجزاتی غیرقاهره از آن‌ها سر می‌زند. طبق روایات شریف، این نصّ و معرفی‌نامه برای مدعی واقعی این امر در زمان ظهور، وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که در روایات متعددی به‌عنوان وصیت عاصم و بازدارنده از گمراهی تا روز قیامت معرفی شده است و این یعنی نصّی که از سوی خدا و رسولش محافظت و ضمانت شده است که متوسلین به این وصیت را تا روز قیامت از گمراهی محفوظ بدارد.

امام باقر علیه السلام به جابر جعفی فرمودند: «بر حذر باشید از معدود سادات آل محمد و بدانید که برای محمد و علی تنها یک پرچم است و برای دیگران پرچم‌ها؛ بنابراین، از زمین تکان نخور و هرگز مردی از این سادات را تبعیت نکن تا اینکه مردی از فرزندان حسین را ببینی که با او وصیت و سلاح و پرچم رسول خداست.» (تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۵)

این جماعت مدعی که با نقل این‌گونه بشارت‌ها ذوق و شوق نشان می‌دهند و از باب نزدیکی ظهور اشک از چشمانشان جاری می‌شود **به‌راحتی از کنار دعوت یمانی گذشته و خود و دیگران را از شنیدن سخنان و ادله دعوت سید احمدالحسن بر حذر می‌دارند.** آن‌ها که منابر را پر کرده بودند از بشارت ظهور، اما امروز عزمشان را جزم کرده‌اند که با دعوت فرستاده امام مهدی علیه السلام مقابله کنند و در این راه از هر حربه‌ای استفاده می‌کنند.

به‌راستی ائمه معصومین علیهم السلام از

با اینکه در روایات اهل بیت علیهم السلام از دلایل حقانیت قائم علیه السلام سخن به میان آمده است و امامان معصوم علیهم السلام قرن‌ها قبل به ما آموزش دادند که راه شناخت قائم و جدایی صادق از راست‌گو در این امر چیست، اما وقتی خبر ظهور یمانی و دعوت سید احمدالحسن به شیخ محمدعلی ناصری می‌رسد، او بدون در نظر گرفتن امور مهم ذکرشده در روایات و بدون در نظر گرفتن این بشارت بزرگ که خود ناقل آن بوده است، سریعاً درخواست اعجاز می‌کند و طبق نقل برخی از مؤمنین دعوت یمانی او اعجازی را طلبیده بود که دندان‌های فاسدش مثل روز اول خوب شوند یا حافظ قرآن شود. این شیخ با درس‌های اخلاقی و غربت امام مهدی علیه السلام گریه می‌کرد، اما هنگام شنیدن همان وعده‌ای که از امام مهدی علیه السلام شنیده بود همانند دشمنان پیامبران در تاریخ، از او طلب اعجاز می‌کند و یقیناً انتظار داشته است که مدعی صادق و مهدی موعود اگر همان مهدی باشد باید به خواسته‌اش احترام بگذارد و کارخانه‌ای از اعجاز همراه خود بیاورد تا هرکس را طبق خواسته‌اش راضی کند! یکی می‌خواهد امام مهدی علیه السلام اگر مهدی واقعی است دندانش را اصلاح کند یا یک‌شبه پیرمردی را حافظ قرآن کند. دیگری همچون شیخ علی کورانی درخواست می‌کند محاسن سفیدش را سیاه کند و بالاخره هرکسی طبق تمایلاتش روزها و سال‌ها مهدی واقعی را منتظر امتحانات خود قرار دهند. این جماعت غافل‌اند از اینکه خداوند متعال خودش برای معرفی خلفایش راهی دارد و طبق سنت همیشگی، تمامی انبیا و اوصیای

خود امام مهدی علیه السلام بدون مقدمه و بدون ارسال فرستاده‌اش همان یمانی وعده‌داده‌شده بیاید و با اعمال خارق‌العاده و با معجزات کثیره خودش را بر آن‌ها اثبات کند. مهم‌ترین اشتباه این افراد به‌دنبال اشتباهی که خود راویان این بشارت مرتکب شدند این بوده که انتظار داشتند امام مهدی علیه السلام طبق هواهای نفس آن‌ها و همان‌گونه که آن‌ها انتظار دارند یا می‌پسندند ظهور کند. آن‌ها گمان می‌کردند وقتی امام مهدی علیه السلام طبق مصلحتی خبر نزدیکی ظهور خویش را می‌دهد باید همان‌طور ظهور کند که آن‌ها گمان می‌کنند. این جماعت و پیروانشان به‌جای اینکه از این خبر و این بشارت به فکر فرو روند و در رابطه با امر ظهور با دقت و انصاف تحقیق کنند، بر همان خواسته‌های نفس خویش در امر ظهور اصرار ورزیدند و با شنیدن دعوت مبارک یمانی همان برخورد را کردند که در روایات به آن اشاره شده بود.

دیگر جای ذکر این روایات که مکرر بیان شد نیست و آن اینکه **قائم در وقت ظهورش انکار خواهد شد و با او همانند کذابین برخورد می‌شود؛** یا اینکه قائم از شیعیانش مأیوس می‌شود؛ یا جالب‌تر اینکه همان کسانی که انتظار می‌رفت در صف اول ولایت امام مهدی علیه السلام قرار بگیرند از ولایت حضرت خارج می‌شوند و کسانی وارد این امر می‌شوند که گویی مسلمان نیستند. در جای دیگری در صحبت‌های شیخ محمدتقی بهجت درباره امام زمان علیه السلام آمده است که او به این نکته اشاره می‌کند که تعدادی از علما به حضرت در وقت ظهورش می‌گویند به تو احتیاجی نداریم!

### سید احمدالحسن:

تکذیب رسالت‌های الهی، مقوله‌ای است که فرزندان آدم به آن دچار بوده‌اند. هیچ قومی از فرستاده خودشان با آغوش باز استقبال نکردند؛ بلکه همیشه با ریشخند و مسخره‌کردن و استهزا و در نهایت نیز با کشتن و تبعید کردن، از او استقبال می‌کردند.

(روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، جلد دوم، صفحه ۶۳)



بیان این همه علائم ظهور و معرفی ادله شناخت قائم عجله الله فرجه به دنبال چه بوده‌اند؟ به راستی امام مهدی عجله الله فرجه از بیان این بشارت به دوست آقای بهجت به دنبال چه بوده است؟

**به قول آقای پناهیان آیا اهل بیت علیهم السلام برای سرگرمی ما این روایات و علائم را ذکر کرده‌اند و قصدشان این نبوده است که ما به مدعی حقیقی برسیم؟!**

چگونه امکان دارد دقیقاً در همان زمانی که طبق روایات و علائم ظهور، انتظار ظهور می‌رود، مدعی کذابی پیدا شود و تنها وصیت به‌جامانده از رسول خدا صلی الله علیه و آله را به نام خود و دعوت خود جا بزند؟ تا جایی که هرجا اسمی از وصیت پیامبر به میان آید همه ذهنشان به سمت دعوت سید احمدالحسن می‌رود؟ و این امر تا جایی مهم شده است که مدعیان علم، عزم خود را جزم کرده‌اند که به صورت کلی از دست این وصیت خلاص شوند و این وصیت را با راه‌های مختلفی از جمله سند و دلالت مورد هجمه قرار دهند و همان مصیبت روز پنج‌شنبه را تکرار کنند.

چگونه امکان دارد وقتی همه با این بشارت بزرگ شیخ بهجت، منتظر ظهور امر امام مهدی عجله الله فرجه هستند، مدعی کذابی پیدا شود و پرچم «البیعة لله» را به نام خود بزند؛ تا جایی که همه سعی می‌کنند این پرچم مقدس از عرصه ایمانی مردم حذف شود؟

چگونه امکان دارد اهل بیت علیهم السلام ما را به ظهور شخصیت مبارکی همچون یمانی قبل از ظهور امام مهدی عجله الله فرجه بشارت دهند، اما امروزه

که باید منتظر یمانی و دعوت مبارک ایشان باشیم مدعی کذابی بیاید و این نام مبارک را به نام دعوت خود ثبت کند؛ تا جایی که حتی در برگه بازجویی‌ها و احکام زندان مؤمنین به دعوت سید احمدالحسن این‌گونه ثبت شود که جرمش عضویت در فرقه یمانی است؟ و بدتر از همه این مسائل، این است که عده‌ای نادان از مخالفین دعوت سید احمدالحسن، برای تشویق مؤمنین به ایشان برای خروج از دعوت مبارک، در انتهای کلیپ‌های تبلیغاتی خود می‌نویسند: «انتخاب با توست... که شیعه بمانی یا یمانی؟» این جماعت نادان نمی‌دانند که وقتی اهل بیت علیهم السلام به ظهور یمانی بشارت داده‌اند، در زمان ظهور او، شیعه ماندن و یمانی نبودن عین ضلالت و گمراهی است: «و چون یمانی خروج کرد به سوی او بشتاب که همانا پرچم او پرچم هدایت است. بر هیچ مسلمانی جایز نیست از آن پرچم روی برگرداند؛ پس هرکس چنین کند از اهل آتش است؛ زیرا او به سوی حق و راه مستقیم فرامی‌خواند.» (غیبت نعمانی، ص ۲۵۵)

شاید به جرئت بتوان گفت شیوع ویروس کرونا و انتشار این بیماری در کل جهان به صورتی که نقطه‌ای را جا نگذاشته است، عذابی همگانی است که تاریخ به خود ندیده است. چه بسیار انسان‌ها که در این عذاب جان خود را از دست دادند و چه ترس‌هایی که انسان‌ها در این بیماری به خود دیدند؛ تا جایی که شیعیان روزهایی را با توسل جانانه به امام مهدی عجله الله فرجه و دعا برای ظهورشان سپری کردند، اما خیلی زود همه چیز به فراموشی سپرده

شد.

کیست که متوجه این کلام الهی باشد که عذابی نازل نمی‌شود مگر اینکه رسولی از قبل فرستاده شده باشد (اسراء، ۱۵)؟ عذابی بالاتر و همگانی‌تر از این وجود داشته است؟ به راستی آقای ناصری چگونه این عذاب را دیده است و با یاد این بشارت بزرگ به خود اجازه داده است به راحتی از کنار این دعوت مبارک عبور کند؟ و چگونه راضی شده است از دنیا برود و شبهه این بشارت را برای خود و مریدانش باقی بگذارد؟

چگونه علمای حوزه به خود اجازه می‌دهند امروزه تعداد زیادی از بهترین‌ها و پاک‌ترین‌های طلاب به صرف ایمان به دعوت سید احمدالحسن در زندان باشند؟ آیا این همه گریه از روی شوق با شنیدن این بشارت‌ها، با این‌گونه رفتارها جمع می‌شود که تعدادی از طلبه‌ها و جوانان را به صرف داشتن این عقیده که سید احمدالحسن حق است، راهی زندان کنند؟

یکی از طلبه‌های یمانی نقل می‌کرد که یکی از پامنبری‌های آقای ناصری به دعوت یمانی ایمان آورده بود و گفته بود من چه کنم در حالی که در یک شب هم خودم و هم همسرم و هم پدر و مادرم، امام مهدی عجله الله فرجه را در خواب دیدیم که فرمود فردا سربازم پیش شما می‌آید؛ و فردای آن روز برادرم که به کرپلا رفته بود و با دعوت یمانی آشنا شده و به آن ایمان آورده بود پیش ما آمد. آقای ناصری در پاسخ این بنده خدا گفته بود آن کس که تو دیدی شیطان بوده نه امام زمان عجله الله فرجه.

عجیب است از شیخ ناصری که در صحبت‌هایش مکرراً از خواب نقل

**سید احمدالحسن:**

ای برادران و خواهران مؤمن! ابراهیم علیه السلام تبری برداشت و بت‌ها را شکست؛ پس از این سیره و روش شریف پیروی کنید؛ روش پیامبران و فرستادگان خدا که آن‌ها را در قرآن می‌خوانید، و بر حذر باشید از روش و آیین امثال سامری و بلعم بن باعورا.

(گوساله، جلد دوم، مبحث عمل به شریعت مقدس اسلامی)



«وقتی قائم علیه السلام قیام کند با امری جدید می‌آید؛ همان طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله در ابتدای اسلام به امری جدید دعوت می‌کردند.» (ارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴)

هر انسان جویای حقی وقتی این روایت را می‌خواند باید خود را برای پذیرفتن امری جدید - غیر از آنچه به آن خو کرده است - آماده کند؛ حتی برخی روایات، امر قائم علیه السلام را غریب و اصحابش را غریبان توصیف کرده‌اند: «اسلام غریبانه آغاز شد و غریبانه باز خواهد گشت؛ پس خوشا به حال غریبان!» (تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۰۳)

**ولی با تأسف، هر حزب و گروهی می‌خواهد امام علیه السلام موافق با همان برداشت خودش و برحسب طرح و نقشه‌ای که خودش برای قیام آن حضرت برنامه‌ریزی**

**کرده است بیاید؛** حتی امام باید از طریق کسانی که برای پیروی از آن حضرت برنامه‌ریزی کرده‌اند بیاید، و به این ترتیب **(كُلِّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فِرْحُونٌ)** (و هر فرقه‌ای به آنچه نزدشان بود دل خوش کردند). (مؤمنون، ۵۳) بنابراین اگر امام از طریقی دیگر بیاید **(قَالُوا لَوْلَا نَزَلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِّنَ الْقَزَیْنِیْنِ عَظِیْمِ)** (گفتند: چرا این قرآن بر بزرگ‌مردی از آن دو شهر نازل نشده است؟).

(زخرف، ۳۱) و اگر با طرح و برنامه‌ای که به ذهن آن‌ها منظور نگردد و با امری جدید بیاید از نظر آن‌ها امام محسوب نمی‌شود و باید با تکذیب، تمسخر و استهزا رویارو شود؛ و گویا این گفتار حق تعالی **(يَا حَسْرَةَ عَلِيَّ الْعَبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ)** (ای دریغ بر این بندگان! هیچ فرستاده‌ای به سوی آن‌ها نیامد مگر آنکه به سخره‌اش گرفتند). (یس، ۳۰) گوش‌هایشان را نمی‌کوبد و آن‌ها را قصد نمی‌کند. وضعیت به همین صورت بوده، هست و خواهد بود؛ تا آنجا که کار برای آن‌ها به پیکار با امام مهدی علیه السلام بینجامد!

از امام باقر علیه السلام روایت شده است: «هنگامی که قائم علیه السلام به پا خیزد به سوی کوفه می‌رود. چند ده هزار نفر از بتریه که با خود سلاح دارند به او می‌گویند: "از همان جا که آمده‌ای برگرد؛ ما به فرزندان فاطمه نیازی نداریم." پس شمشیر را در میان‌شان قرار می‌دهد و تا آخرینشان را می‌کشد.

سپس به کوفه داخل شده، تمام منافقین شاک را از بین می‌برد، کاخ‌هایشان را ویران می‌کند و مبارزینشان را می‌کشد تا خداوند عزوجل راضی شود.» (ارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴) و این اندرزی برای هرکسی است که از بازگشت می‌ترسد و نمی‌خواهد با امام علیه السلام با این سخن که «ای پسر فاطمه برگرد» رویارو شود.

کرده و خواب را حجت سخنانش قرار داده، ولی در اینجا خواب امام زمان علیه السلام آن هم در رؤیای چهار نفر شیطانی می‌شود! در حالی که طبق روایات، شیطان قدرت ندارد به صورت ائمه علیهم السلام ظاهر شود.

لازم است به این شبهه نیز اشاره کنم که برخی گمان می‌کنند آقای ناصری یا آقای بهجت یا همان دوستش، به‌طور خاص و ویژه متوجه ظهور و شخص مهدی موعود می‌شوند و آن‌ها احتیاجی به ادله و بررسی دعوت یمانی یا امام مهدی علیه السلام ندارند. این اعتقاد، اعتقاد ناصوابی است و کسی به‌صرف کسب توفیق برای ملاقات امام مهدی علیه السلام از امتحان و آزمایش شناخت فرستاده امام مهدی علیه السلام بی‌نیاز نمی‌شود. ممکن است شخصی به هر روشی توفیق زیارت امام مهدی علیه السلام را کسب کند و حتی شخص امام مهدی علیه السلام درباره نزدیکی ظهورش به او بشارتی دهد؛ اما این دلیل نمی‌شود که او را از جزئیات امتحان و فتنه الهی در این امر باخبر سازد. آن‌ها نیز همانند همه مردم از بزرگ و کوچک باید در فتنه و امتحان الهی قرار گیرند تا عیار خویش را در ادعای سلوکی خویش بسنجند. تاریخ کم به خود ندیده است کسانی که توفیق همراهی انبیای الهی را داشته‌اند، اما در کوچک‌ترین فتنه‌ها سقوط کرده‌اند چه برسد به فتنه پذیرش ولایت جدید. از همین رو بوده است که سید احمدالحسن در اوایل دعوت خویش در بیانیه‌ای خطابش را متوجه تعدادی از مقربین و متصلین به امام مهدی علیه السلام قرار داد و خطاب به ایشان نوشت که بر آن‌ها نیز واجب است به فرستاده امام مهدی علیه السلام ایمان بیاورند.

در هر حال آنچه به نظر می‌رسد این است که یکی از مشکلات اصلی مدعیان انتظار در ایمان‌نیارودن به دعوت یمانی این است که ظهور این‌چنینی امر امام مهدی علیه السلام برای آن‌ها غیرمنتظره بوده است. سید احمدالحسن در بیانیه نصیحتی برای طلبه‌های حوزه فرمودند:

«امیدوارم طلبه‌های حوزه‌های علمیه در نجف، قم و در هر جای دیگر این نصیحت و اندرزی را که پیشاپیش عذابی دردناک است بپذیرند، و گفتار آل محمد علیهم السلام را همان طور که خداوند به آن‌ها امر فرموده است - ارج و منزلت دهند و حکمت یمانیه را چون پیرکاهی بر باد ندهند؛ که پشیمان می‌شوند و پشیمانی را چه سود! ای قوم **(أَبْلَغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ)** (پیام‌های پروردگارم را به شما می‌رسانم و برای شما اندرزگویی امین هستم). (اعراف، ۶۸) ...»

ابو خدیجه از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود:

### سید احمد الحسن:

قائم، کلمه خداوند و عذابی است که خداوند با آن از دشمنانش و دشمنان انبیا و اوصیا انتقام می‌گیرد و او، وعده خداوند به انبیا برای یاری‌شان در انتهای کار است.

(تفسیر سورة توحید، پیشگفتار)



شناخت خداوند فقط با شناخت حجت خدا

# شکافتن علم توسط فرستاده امام مهدی علیه السلام

نویسنده: میعاد مسعودی

ا قسمت هفتم

در مقاله

گذشته در رابطه با وصیتی که سید احمدالحسن به آن احتجاج کرده صحبت به میان آمد؛ وصیت بازدارنده از گمراهی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب وفاتشان توسط امیرالمؤمنین علیه السلام املا شد. دانستیم که از ویژگی‌های این وصیت، اشاره به شخصی به نام «احمد» به‌عنوان وصی امام مهدی علیه السلام و اولین مؤمنان در زمان ظهور و اصلی‌ترین دلیل حقانیت سید احمدالحسن است. این نص تشخیصی بر اساس قرآن کریم و روایات برای همه مسلمانان در خصوص حقانیت سید احمدالحسن کافی است.

در این مقاله می‌خواهیم به علم سید احمدالحسن به‌عنوان دومین معیار تشخیص حجت بپردازیم؛ هرچند می‌دانیم در توانمان نیست در این مقدار حتی قطره‌ای از آن را شرح دهیم؛

سید احمدالحسن:

آل محمد فرستادگانی از جانب حضرت محمد صلی الله علیه و آله هستند که علم خود را با وحی یا به‌واسطه فرشتگان یا به‌طور مستقیم از آن حضرت دریافت می‌کنند.

(متشابهات، جلد اول، پرسش ۲۳)

## افکار شده است؟

امیر مؤمنان علیه السلام در کوفه خطبه‌ای قرائت کرده و فرمود: «... بدانید اگر از انقلابگر مشرق پیروی کنید، او شما را به راه و روش پیامبر راهنمایی می‌کند و از بیماری کوری و گنگی رهایی می‌بخشد، تا از رنج طلب و ظلم آسوده شوید و بار سنگین را از شانه‌هایتان بر زمین نهید...» (۳) جالب است بدانید از سید احمدالحسن تا بدین لحظه بیش از پنجاه جلد کتاب در زمینه‌های مختلف منتشر شده که با وجود حجم کم و بیانی ساده، تمام شبهات علمی و دینی را پاسخ داده و در پی عظیم از معرفت الهی را به سوی بشریت گشوده است!

در یکی از کتب سید احمدالحسن به نام «توهم بی‌خدایی»، ایشان ضمن پاسخ به همه شبهات بی‌خدایان نسبت به دین، بسیاری از رویدادهای الهی را با زبان فیزیک کوانتوم شرح می‌دهد. سید احمدالحسن در این کتاب با آخرین متدهای علمی و نظریه‌های تأییدشده، دین را با علم گره می‌زند تا به توهم بی‌خدایی مخالفان خدا پایان دهد. در این کتاب می‌توان پاسخ اساسی‌ترین سؤالات علمی را یافت؛ از جمله:

نظریه تکامل و چگونگی توجیه آن با داستان خلقت آدم علیه السلام در کتب الهی، شرح علمی طوفان نوح علیه السلام و جزئیات دقیق آن با شواهد علمی زمین‌شناسی و رد توهمات علمای ادیان در این مسئله، تشریح علمی عمر نوح علیه السلام با نظریات علمی مانند نسبیت خاص از طریق تبیین تفاوت دید ناظر خارجی و داخلی، چگونگی تولد عیسی علیه السلام بدون پدر و توضیح ژنتیکی آن، توضیح تشکیل ماده در خلأ (هیچ کوانتومی) و تفاوت آن با نامولد بودن عدم، پاسخ به یکی از اساسی‌ترین سؤالات فلسفی اینکه «ما داخل ذات خدا هستیم یا خارج آن؟» با تفاسیر کوانتومی، ارتباط عوالم موازی با آموزه‌های دینی، معراج رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ارتباط آن با فیزیک کوانتوم و ...

**معجزه‌های که هر روز بیشتر جلوه خواهد کرد و پس از این سانسور شدید و ممنوعیت، به پر فروش‌ترین کتاب غرغه‌ها تبدیل خواهد شد.**

سید احمدالحسن در کتابی دیگر به نام «متشابهات» پرده از رموز قرآن و تفسیر حقیقی آیات و روایات متشابه برمی‌دارد و با علم آل محمد علیهم السلام که در وجودش نهادینه

باید توجه داشته باشیم که ما در عصری زندگی می‌کنیم که تکنولوژی و ارتباطات و سطح تفکر بشریت در بالاترین سطح تاریخ خود قرار گرفته و عقاید انسان‌ها به حدی گسترده و گوناگون است که حتی در یک مکتب مشترک نمی‌توان دو انسان را با عقیده‌ای با هم پوشانی کامل یافت. حال تصور کنید شخصی برای تمام عقاید و تفکرها با علمش روشنگری کند!

**علم منجی باید پاسخ‌گوی عقاید تمام جهان باشد زیرا دعوتش جهانی است و محدود به منطقه‌ای با عقاید خاص نیست.**

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «علم بیست و هفت حرف است و همه آنچه پیامبران آورده‌اند تنها دو حرف است و مردم تا امروز جز آن دو حرف را نمی‌شناسند. هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را ظاهر می‌سازد و آن را بین مردم نشر می‌دهد، و آن دو حرف را نیز ضمیمه می‌کند و بیست و هفت حرف را منتشر می‌سازد.» (۱)

**در مقالات گذشته جنس علمی که همراه حجت خداست با ثقلین تبیین شد که همان علم صعود و ارتقا در ملکوت یا همان علم دین است که هدف از خلقت را که شناخت خداوند است میسر می‌سازد. (۲)**

قائم آل محمد علیهم السلام در عصر حاضر با شبهات و سؤالات بسیاری روبه‌روست. از سویی بی‌خدایان و مخالفان دین که با مطرح کردن شبهات و تضادهای علمی از متون قرآن و عقاید ادیان الهی، علم را در مقابل دین قرار داده‌اند که در این میان جهل علمای ادیان و تفاسیر غیر علمی آن‌ها بر طبل پیروزی بی‌خدایان می‌کوبد؛ از سویی دیگر اختلافات علما در مباحث توحیدی، فلسفی، عقیدتی و تفاسیر متفاوت آن‌ها از متشابهات قرآن و روایات که منجر به تشکیل مکاتب گوناگون توسط آن‌ها شده است. جالب اینکه همه آن‌ها عقیده و تفاسیر خود را برگرفته از اسلام حقیقی می‌دانند و مکاتب دیگر را محکوم می‌کنند!

**در این میان چه کسی شایسته‌تر از فرستاده امام مهدی علیه السلام و طالع مشرقی است که نور را از ظلمت جهل جدا کرده و فصل الخطاب تمام عقاید و**

### سید احمد الحسن:

علمی که باید خلیفه خداوند در زمین دارا باشد، شناخت چیزهایی است که نجات مردم در آخرت وابسته به آن است و آن علم به عقاید و تشریح است؛ در نتیجه باید به او وحی شود تا سخن نهایی نزد او باشد و اعتقاد حق و شریعت حق و مسائل جدیدی را که در تشریح به وجود می‌آید، بیان کند.

میلیاردها انسان را در زمان کنونی شیفته خود کرده، عیسی علیه السلام نبوده، پس چه کسی است؟

چرا مصلوب خود را متعلق به آن زمان نمی‌دانست و معنای سخنان عجیب او در حین اسارت چیست؟

«تسلی‌دهنده» ای که فرستاده عیسی مسیح، منتشرکننده علوم و سرزنش‌کننده جهان است چه کسی است؟ (ر.ک. یوحنا ۱۶: ۷-۱۴)

«غلام امین و دانا» که سرورش او را مأمور کرده است تا علم و معرفت و حکمت را منتشر نماید کیست؟ (ر.ک. متی ۲۴: ۴۵-۴۷)

«پسر انسان» کیست که از مشرق به نسبت عیسی در آن زمان خارج می‌شود؟ (ر.ک. متی ۲۴: ۲۷)

در مکاشفه یوحنا «بره» و «شیری از سبط یهودا» و «سوار بر اسب سفید» که او را «صادق» و «امین» می‌خوانند چه کسی است؟ (مکاشفه ۴، ۵، ۱۴ و ...) (مکاشفه ۱۹: ۱۱)

در کلام اشعیا، نجات‌دهنده‌ای که از «بصره» می‌آید و بالابرنده پرچم کیست؟ (اشعیا ۶۳: ۱) (اشعیا ۵: ۲۶)

«سنگی» که پادشاه بابل (عراق) آن را دید و در عراق و در آخرالزمان می‌آید اشاره به چه کسی دارد؟ (دانیال ۲: ۳۱-۴۵) و ...

توصیف علم سید احمدالحسن کار بسیار دشواری است و برخی معارف آن در کلام نمی‌گنجد؛ اما از خداوند متعال طلب دارم کوتاهی حقیر را ببخشد و در این مسیر یاری ام دهد.

در ادامه نیز به معرفی برخی دیگر از کتب ارزشمند سید احمدالحسن خواهیم پرداخت؛ با ما همراه باشید...

### منابع:

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳.
۲. رجوع به قسمت دوم سلسله‌مقاله «شناخت خداوند فقط با شناخت حجت خدا».
۳. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۱-۱۱۲؛ عقیده المسلمین فی المهدی، ج ۱، ص ۳۰۴؛ روضة الکافی، ج ۲۲.
۴. الغیبة النعمانی، ص ۱۷۳.

### سید احمدالحسن:

علمی که دانستن آن برای حجت خدا لازم است، به‌هیچ‌وجه آگاهی از زبان‌های کتاب‌های آسمانی یا زبان‌های دیگر یا حفظ جملات کتاب‌های آسمانی نیست؛ بلکه او باید همه معانی که در همه کتب آسمانی وارد شده است و حقایق را که به آن اشاره شده است، با خود داشته باشد؛ بدون اینکه نیازمند خواندن آن یا آماده کردن آن نزد خودش باشد.

(عقاید اسلام، مبحث علم خلیفه خداوند در زمین)

شده به علوم ظنی و تفاسیر اشتباه علما پایان می‌دهد؛ امکان ندارد مسلمانی به دیده حق و انصاف، صفحه‌ای از این کتاب را مطالعه کند و در اقیانوس علم یمانی موعود غرق نشود.

این کتاب حقیقتاً جلوه‌ای از این روایت امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤالی است که برای تشخیص مدعی حقیقی نقل شده؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر کسی مدعی شد، از او از عظامی [مسائل عظیم] سؤال کنید که کسی که همانند اوست بتواند جواب بدهد.» (۴)

در ادامه با کتابی شگفت‌انگیز با نام «در محضر عبد صالح» آشنا می‌شویم.

کتابی به‌صورت پرسش و پاسخ از اساسی‌ترین سؤالاتی که مغز هر مسلمان حق‌جو را درگیر کرده است؛ از مباحث مربوط به تحریف یا عدم تحریف قرآن کریم تا مباحث مربوط به عالم ذر، اثبات علمی عمر امام مهدی ع، توحید حقیقی، پاسخ به مناقشات اعتقادی، روشنگری از دوران غیبت و بی‌راه‌رفتن علمای آخرالزمان و ... با وجود این کتاب چگونه می‌توان در برابر مظلومیت سید احمدالحسن و علم الهی‌اش سکوت و مردم را از این منشأ انتشار فیض‌های الهی محروم کرد؟

زیبایی علم احمدالحسن فقط پاسخ به سؤالات دین اسلام نیست؛ بلکه ایشان در کتابی با نام «سیزدهمین حواری» و کتاب «وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام در تورات، انجیل و قرآن» بسیاری از سؤالات بی‌پاسخ اهل کتاب را پاسخ داده و با دلایل محکم به نصوص آن احتجاج و حقانیتش را اثبات می‌کند.

چه کسی تصور می‌کرد روزی «پسر انسان» رؤیای یوحنا را تفسیر کند و راز مصلوب یا شبیه عیسی را با انجیل و تورات و قرآن شبهه‌زدایی کند؟

بیست و چهار پیر در مکاشفه یوحنا و زنی که خورشید و ماه را در بر دارد کیست؟

روشنگری سید احمدالحسن از انجیل یهودا و تفاوت بین مصلوب و عیسی علیه السلام!

اگر آن مصلوب که با استقامت و صلابت خود،



# نظریه تکامل و متون دینی

## به قلم: نوید یاسین

انسان‌ها در طول تاریخ همواره سعی داشته‌اند در کشف حقایق علمی که گهگاه در روزمرگی‌های آنان و چه بسا در باورهای اقوام مختلف رخنه کرده است، گام بردارند. این فرآیند وقتی بیشتر خودنمایی می‌کند که این باورها مسیر خود را از واقعیت علمی به سوی اخبار غیبی، متون دینی و حتی شنیده‌ها و کتابت‌های فرهنگی و آداب و رسوم ملل پیموده است. انسان هر روزه ارتباطش با جهان پیرامون، از خاک و گیاهان تا حیوانات را می‌دیده، و تأثیرات و چرخه‌های هر کدام از این‌ها بر یکدیگر برای بقا و زندگی را مشاهده می‌کرده و چه بسا سؤالات متعددی برایش پیش می‌آمده که این ارتباط چگونه شکل گرفته و به چه صورت پیش می‌رود؟

با اندیشیدن و کشف پله به پله این اسرار و رموز، آنان مجذوب هماهنگی‌ها و موافقت متون غیبی و دینی با دستاوردهای علمی شدند؛ مثلاً در قرآن کریم آمده است که (خدا شما را چون نباتی از زمین برویانید). در این آیه، بحث تکامل مطرح است، در حالی که انسان تا همین اواخر نتوانسته بود از حقیقت علمی آن پرده برداری کند.

گیاه به یکباره و بی‌درنگ به بار نمی‌نشیند؛ برای طی این فرآیند و طی مراحل تکامل و پیشرفت زمانی نیاز است. بیابید مروری کنیم بر این تکامل: در ابتدا دانه یا حتی بذری کوچک است که در زمین کاشته شده و با آب، سیراب می‌شود. سپس از مجموعه دانه، زمین و آب، جوانه‌ای می‌روید. این جوانه به تدریج بزرگ‌تر و کامل‌تر می‌شود و از مرحله‌ای به مرحله دیگر گذر می‌کند تا کامل شود و شروع به دادن ثمره و میوه کند. این همان چیزی است که در این آیه مدنظر است. خالق هستی یک نقشه ژنتیکی بی‌نقصی را در زمین پیاده‌سازی کرده که پس از کاشت و طی مراحل رشد به سمت فرجام خود حرکت کرده تا به هدف خود رسیده است.



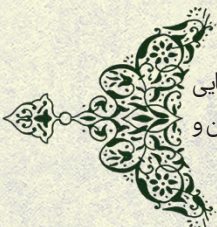
از طرفی در متون و اخبار غیبی، از وجود نسناس یا انسان‌نماها صحبت به میان آمده و این حقیقت علمی اکنون کشف شده است. پژوهش‌های ژنتیکی، وجود انسان نئاندرتال را که از لحاظ ژنتیکی با انسان امروزی موجود در این کره خاکی، تفاوت داشته، ثابت کرده است؛ همان طور که فسیل‌ها از وجود هومواریکتوس و هوموساپینس آفریقایی پرده برداشته است. اگر به گذشته این فرآیند رجوع کنیم، داستان حیرت‌انگیزی را جلوی چشمان خود خواهیم دید. آفرینش انسان در گذشته انجام شده و به پایان رسیده است؛ سپس از مراحل متعدد، متمایز و در حال تکامل بسیار زیادی عبور کرده است؛ یعنی گوناگونی‌های جسمانی متعددی رخ داده تا به جسمی برسد که ابزار هوشمندی مناسب همچون مغز تکامل یافته، داشته باشد. این جسم بایستی ظرفیت، پتانسیل و شایستگی لازم برای اتصال به نفس حضرت آدم علیه السلام را پیدا می‌کرده و به این ترتیب نسل او، ادامه می‌یافت.

آیات زیر چند نمونه از بیان تکامل در آیات قرآن را نشان می‌دهد:

سوره نوح، آیه ۱۴ تا ۱۷: (و شما را در حالت‌های مختلف بیافرید \* آیا نمی‌بینید چگونه خدا هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید؟ \* و ماه را روشنی آن‌ها، و خورشید را چراغشان گردانید؟ \* و خدا شما را چون نباتی از زمین برویانید).

### سید احمد الحسن:

به نظر من هر فرد عاقلی تأیید می‌کند که اگر زبان ما نشان می‌دهد که ما گوینده هستیم و می‌خواهیم به معنایی برسیم، زبان ژن‌ها نیز دلیلی است بر اینکه واری آن، گوینده‌های هدف‌دار وجود دارد؛ به‌ویژه اینکه وی به اهداف روشن و واضحی که اکنون کاملاً برای ما شناخته شده، رسیده است؛ مانند هوشمندی یا ساز و کار بقای موجود برتر.



در برخی روایات به وجود یک پیامبر در قومی که از لحاظ معرفت دینی عقب افتاده‌اند، اشاره شده است. چه بسا این قوم از الفبای دین نیز بی‌اطلاع بوده‌اند و پیامبرشان، ابتدایی‌ترین مسائل دین را به آن‌ها می‌آموخته است. مانعی وجود ندارد که مصداق این پیامبر، حضرت آدم علیه السلام باشد.

امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرماید: «در گذشته خواب‌ها و رؤیاها در اولین مخلوقات نبود و بعدها پدیدار شد.» علت را از ایشان علیه السلام جویا شدند، حضرت فرمود: «خداوند عزوجل پیامبری را به سوی اهل زمانش برانگیخت. او آن‌ها را به عبادت خداوند و اطاعت او فراخواند. قومش گفتند: اگر ما این کار را انجام دهیم به ما چه می‌رسد؟ تو نه مالت از ما بیشتر است و نه عزت قبیله‌ات... آن پیامبر فرمود: اگر مرا اطاعت کنید، خداوند شما را وارد بهشت می‌سازد و اگر نافرمانی‌ام کنید، خداوند شما را به آتش جهنم وارد می‌کند. قوم او گفتند: بهشت و جهنم چیست؟ پیامبر، آن را برایشان توصیف کرد. قومش گفتند: چه زمانی به آنجا می‌رویم؟ فرمود: زمانی که بمیرید. آن‌ها گفتند: بی‌تردید ما مردگانمان را دیده‌ایم که استخوان و خاک شدند. سپس بیشتر و بیشتر آن پیامبر را تکذیب کرده، خوار شمردند. آنگاه خداوند عزوجل در میانشان رؤیا را به وجود آورد. پس نزد پیامبرشان آمدند و آنچه را [در خواب] دیده بودند و برایشان ناشناخته بود، به او خبر دادند. ایشان فرمودند: خدای عزوجل اراده کرده است که این‌گونه بر شما احتجاج کند تا بدانید ارواح شما این‌گونه است و بعد از مرگ، روح شما در عذاب خواهد بود. هرچند بدن‌هایتان بیوسد تا روزی که بدن‌ها برانگیخته شوند.» (کافی، ج ۸، ص ۹۰؛ ترجمه در: روضه کافی، ترجمه رسولی محلاتی، ج ۱، ص ۱۲۷)

اولین مخلوقات ذکر شده در این روایت، بر حضرت آدم علیه السلام و انسان‌نماها که پیش از آدم علیه السلام وجود داشته‌اند، منطبق است. از طرفی، رؤیا در خواب و بیداری، شیوه‌ای برای ارسال وحی به پیامبران است؛ در نتیجه رؤیا حتماً باید با اولین پیامبر که همان حضرت آدم علیه السلام است، آغاز شده باشد.

**بنابراین در حدود حیات ثابت شد که تکامل، هدفمند است و این دلیلی واضح بر وجود خداوندی است که در پس این هدف مهم قرار دارد، و نیز درباره آنچه اختصاص به کل جهان دارد، این امر در نهایت به خدا می‌رسد و در نتیجه، بعد از اثبات هدف بیان شده، وجود خدا هم اثبات می‌شود.**

سوره مؤمنون، آیات ۱۲ تا: (هر آینه ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم \* سپس او را نطفه‌ای در جایگاهی استوار قرار دادیم \* آنگاه از آن نطفه، لخته خونی آفریدیم و از آن لخته خون، پاره‌گوشتی، و از آن پاره‌گوشت، استخوان‌ها را آفریدیم و استخوان‌ها را با گوشت پوشانیدیم؛ و بار دیگر او را آفرینشی دیگر دادیم. در خور تعظیم است احسن‌الخالقین).

سوره سجده، آیات ۷ و ۸: (آن‌که هرچه را آفرید به نیکوترین وجه آفرید و خلقت انسان را از گل آغاز کرد \* سپس نسل او را از عصاره آبی بی‌مقدار پدید آورد).  
سوره انبیاء، آیه ۳۰: (آیا کافران نمی‌دانند که آسمان‌ها و زمین بسته بودند، ما آن‌ها را گشودیم و هرچیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم؟ چرا ایمان نمی‌آورند؟).

بنابراین، خدای سبحان ما را به معرفت دعوت می‌کند و دلایل تدبر و تفکر و تحقیق درباره پاسخ‌های درست را تبیین می‌کند. البته توجه به این نکته ضروری است که تفسیر قوانین به این معنا نیست که ما از وجود خدا بی‌نیاز هستیم؛ زیرا وجود نظام و قانون و هدف، دلالت بر وجود قانون‌گذاری هدفمند می‌کند. استنباط قوانین جهان ما یا تفسیر آن بر اساس قوانین علمی، هرگز به این معنا نیست که ما از تحقیق درباره سرآغازها و اهداف آن‌ها بی‌نیاز هستیم؛ بلکه این امر ما را به تحقیق درباره آن و حتی مسائل پیش از آن هم می‌کشاند. بدیهی است که اگر نسبت به گذشته کنجکاو باشیم، تحقیق درباره بُعد ماورائی آن نیز به همراهش می‌آید. همه این‌ها، ما را به دلایلی بر وجود خدا می‌رساند.

روایات بسیاری از آل محمد علیهم السلام به ما رسیده که بر تکامل این دستاورد علمی، که اخیراً و به دنبال بررسی فسیل‌ها و پژوهش‌های علمی ثابت شده است، تأکید می‌ورزند.

از محمد بن علی باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند عزوجل در روی زمین از هنگامی که آن را آفرید، هفت دوره جهانیان را آفرید که هیچ‌یک از آن‌ها از فرزندان آدم نبودند... خداوند آنان را از خاک روی زمین آفرید، و آن‌ها را یکی پس از دیگری با عالم خودشان در روی زمین سُکنا داد و سپس خداوند عزوجل آدم ابوالبشر را آفرید و ذریه و اولادش را از وی آفرید...» (خصال، ص ۳۵۹ و نیز تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۳۸) (این روایت نشان می‌دهد خداوند پیش از حضرت آدم علیه السلام حداقل هفت گونه انسان‌نما بر روی زمین خلق کرده است. این‌ها از اولاد آدم نیستند و پیش از حضرت آدم علیه السلام بر روی زمین زندگی می‌کرده‌اند.

### سیداحمدالحسن:

تکامل قانونمند است و جهش یا تغییر نقشه ژنتیکی حداقل در برخی مسائل، غیرتصادفی و قانونمند است و هدف مشخصی را دنبال می‌کند؛ بنابراین در پس آن، کسی هست که او را قانونمند ساخته تا به هدف یا می‌توان گفت هدفی که قانون‌گذار در نظر داشته برسد؛ و او اجرای قانونی را که لازمه رسیدن به آن غایت است، عملیاتی می‌کند. (توهم بی‌خدایی، صفحه ۲۴۴)



# مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن ظهور کرد.

ای شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام!

فرستاده امام مهدی و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود،

سال هاست که منتظر شماست.

ای یهودیان!

فرستاده ایلیا آمده است.

ای مسیحیان!

تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.

ای اهل سنت!

آن مهدی که در آخر الزمان متولد می شود، اکنون در میان ماست.

ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین!

منجی بشریت با سندی از علم و شگفتی ها آمده است.